



نگاه سیاسی - تعلیمی به حکایت شتر و شیر پرهیزگار در مرزبان نامه

حسین عباس نژاد^۱

دانش آموخته دوره دکتری تخصصی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

پروانه عادل زاده^۲ (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

کامران پشایی فخری^۳

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۷

چکیده

مرزبان نامه از جنبه‌های مختلف در تاریخ تمدن ایران و جوامع اسلامی اهمیت داشته است. این کتاب نگرش به انسان و اجتماع را در جامعه سنتی مدنظر قرار داده است. بیشتر داستان‌های مرزبان نامه تمثیلی و به زبان جانوران بیان شده است. دلیل عمده استفاده از شخصیت‌های حیوانی احتمالاً محتوای سیاسی و اجتماعی می‌باشد. داستان‌های مرزبان نامه عملکرد قدرت در جوامع را نشان می‌دهند. با

۱-Email: hosseinabbasnezhad@yahoo.com

۲-Email: Adeltzadehparvaneh@yahoo.com

۳-Email: Pashayikamran@yahoo.com

تجزیه و تحلیل حکایت می‌توان ساختار فرهنگ سیاسی و تأثیر آن را بر رفتارهای فردی و اجتماعی بررسی کرد. فرهنگ سیاسی حاکم در جامعه با روابط انسانی در ارتباط است. در این حکایت، شخصیت‌های تمثیلی، شخصیت‌های جانشین شونده محسوب می‌شوند، یعنی حیوان جانشین فکر، خلق و خو و مفاهیم مورد نظر نویسنده و آورنده داستان شده است. در این پژوهش شیر به عنوان نماد قدرت، در رأس هرم قدرت قرار می‌گیرد و نیرویی که سبب می‌شود شیر در چنین جایگاه و مرتبه‌ای قرار گیرد، زورمندی، قدرت و تسلط او بر دیگران است. حاکم یا فرمانروا در سلسله مراتب قدرت، باید وظایف و مسئولیت‌ها را به اشخاصی واگذار نماید که شایستگی، لیاقت و توانایی لازم برای انجام آن کارها را داشته باشند، و همانند خرس در بدو ورود به دربار شیر بر هم زنده نظم و امنیت نباشند. از زاویه تعلیمی هم می‌توان به زیان ظلم و ستم و عاقبت ستمکاران ستم پیشیه و زیاده‌خواهان محال اندیش که در پی حفظ جان، موقعیت سیاسی و مرتبه‌ای برای خود هستند اشاره کرد. مقاله حاضر می‌کوشد حکایت شتر و شیر را در مرزبان‌نامه ارزیابی و واکاوی نماید.

کلید واژه‌ها: مرزبان نامه، مدیریت، سیاسی، شتر، شیر

۱- مقدمه

کتاب مرزبان نامه، توسط یکی از شاهزادگان طبرستان به نام مرزبان بن رستم بن شروین به زبان طبری، در قرن چهارم هجری تألیف شده است. در نیمه اول قرن هفتم هجری، به وسیله سعدالدین وراوینی، از گویش طبری باستان، به زبان پارسی دری در آمد. این کتاب به مصداق سخن مولانا:

معنی اندر وی بسان دانه‌یی است

«ای برادر! قصه چون پیمان‌یی است

نگرد پیمان‌ه را گر گشت نقل»

دانه معنی بگیرد مرد عقل

(مولانا، دفتر دوم، ۱۳۷۲: ۱۶۴)

در تاریخ زندگی بشر، داستان و قصه همواره نقش و جایگاه ویژه‌ای داشته و عشق به قصه گویی و شنیدن داستان در تمام طول تاریخ با آدمی همراه بوده است. در قرآن کریم درباره مرتبه والای داستان، از باب تأثیری که در ارشاد، تربیت و تغییر دادن مردم دارد چنین آمده

است: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» همانا در قصه و سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی نهفته است. (سوره یوسف آیه ۱۱۱)

مسائل اخلاقی و هم چنین نحوه رفتار و سیر و سلوک حاکمان و کارگزاران با مردم، در قالب گفتگو و داستان‌هایی از زبان جانوران و پرندگان بیان گردیده است. «از جمله کتبی که مستقیماً و غیر مستقیم هم از جهت سبک و هم از نظر شیوه داستان نویسی و هم از حیث تقلید از مضامین و معانی؛ از اسلوب کلیله و دمنه متأثر است، مرزبان نامه است.» (خطیبی، ۱۳۹۰: ۴۸۳)

مرزبان نامه کتابی است، که واضح به زبان جانوران نهاده است. «در قدیم الایام چنین رسم بود که پندگویان و ناصحان هیچ گاه سخنی پوست باز کرده و راستا راست و صریح در موعظت و نصیح با بزرگان و مخادیم نگفتندی، و آن را بی اثر پنداشتندی و بهتر آن می دانستند که هر پند و نصیحتی را در لباس کنایات و استعارات و تماثیل یا از زبان دیگران به ویژه جانوران ادا کنند، و این رسم در میان دانایان هند و ایران مقرر و مسلم بوده است، و دانایان ایران بعد از اسلام نیز این شیوه و طریقت را ترک نگفتند.» (بهار، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۵)

«فراوانی نماد حیوانات در میان ادیان و هنرهای تمامی دوران تنها بیانگر اهمیت نماد نیست، بلکه نشان می دهد تا چه اندازه برای انسان مهم است تا با محتوای روانی نماد، یعنی غریزه در بیامیزد. حیوان به خودی خود نه خوب است و نه بد. حیوان تنها بخشی از طبیعت است و نمی تواند از چیزی لذت ببرد که در طبیعتش وجود ندارد. به بیان دیگر حیوان از غرایز خود پیروی می کند. غرایزی که اغلب برای ما مرموز می نمایند، اما در زندگی خودمان هم وجود دارند، غریزه اساس طبیعت انسانی است.» (یونگ و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۶۳)

داستان‌هایی که در آثار تعلیمی منثور آمده‌اند نسبتاً طولانی تر و از لحاظ داستانی گسترده ترند که می توان به کلیله و دمنه، مرزبان نامه، فرائد السلوک، گلستان سعدی و ... اشاره کرد. در این آثار منثور، قصه عرصه تضارب آراء و عقاید مختلف دینی، اخلاقی، عرفانی و اجتماعی است و نکته‌های پند آموز و مفید اخلاقی، اجتماعی و گاهی سیاسی در پوشش قصه عرضه

می‌شود. یکی از انواع حکایاتی که می‌توان آن را با توجه به شخصیت قهرمانان از دیگر انواع داستان‌ها جدا ساخت، حکایت‌های حیوانات است که همیشه به عنوان یک نوع تعلیمی و تمثیلی شناخته شده است. «در این حکایت‌ها حیوانات به جای انسان‌ها در ماجراها و حوادث درگیر می‌شوند و اغلب سخن می‌گویند. از گذشته‌های دور این حکایت‌ها رواج داشته است و شکل ادبی آن سابقه‌ای به اندازه انواع دیگر داستان دارد. به طور کلی حکایت‌های حیوانات در ساده‌ترین شکل خود مصداق همان پندهای اخلاقی و اجتماعی و امر و نهی‌هایی هستند که در آثار دینی و اخلاقی از آن‌ها سخن رفته است.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۷۷-۷۶)

حکایت‌های موجود در آثار فارسی که از زبان جانوران نقل شده‌اند، اغلب کوتاه، ساده، اخلاقی، دارای اخلاق اجتماعی، سیاسی و مدیریتی هستند و از این رو در زمره فابل‌ها می‌گنجد. «محور بیشتر حوادث دشمنی و خصومت ذاتی است و بیشتر حوادث با نزاع و درگیری همراه است. کشتن و خوردن (از سوی قوی‌تر) ربودن، غضب کردن جای دیگری، جدال بر سر طعمه (و گاه جاه و مقام)، فریب دادن و گرفتار شدن و ... بیشترین حوادث را تشکیل می‌دهند.» (همان: ۱۳۱) توصیف روابط حیوانات ضعیف با قوی یا قوی با قوی و تأکید بر فایده مکر، تدبیر، تأمل و دور اندیشی، بیش از همه متوجه روابط افراد طبقات بالای جامعه است. تأکید این حکایت‌ها بر مکر، تدبیر و مصلحت اندیشی، باعث می‌شود که اهل سیاست و حکومت مخاطبان خاص آن‌ها به شمار آیند. ما در این جستار همّت بر آن داریم که به بررسی ابعاد سیاسی - تعلیمی از نگاه مدیریتی در حکایت شتر و شیر پرهیزگار پردازیم.

۲- پیشینه تحقیق

در مورد نگاه سیاسی به حکایت شتر و شیر پرهیزگار در مرزبان نامه تحقیق واحدی انجام پذیرفته است. بلکه به طور غیرمستقیم چند کتاب و مقاله به نگارش درآمده‌اند، که به تعدادی از این آثار در زیر اشاره شده است، که می‌تواند با محتوای این مقاله در موارد جزئی در ارتباط باشد.

مقایسه داستان شیر و گاو در کلیله و دمنه با شتر و شیر پرهیز گار در مرزبان نامه، از علی صفی زاده در مجله رشد زبان و ادب فارسی، دوره بیست و هشتم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۳.

اثر دیگر تحت عنوان فرهنگ اصطلاحات جانوران سیاسی، نویسندگان آن یوجین مک کارتی و جیمز کیل پاتریک، ترجمه میترا هشیار، این کتاب صرف نظر از مضامین طنز آمیزش، حال و هوای سیاسی دهه ۷۰ را برای خواننده به تصویر می کشد.

مقاله نگاهی به تمثیل های نمادین در مرزبان نامه، از مسعود پاکدل و معصومه میراب، در فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد واحد بوشهر، به شماره پیاپی بیست و پنجم - پاییز ۱۳۹۴ از صفحه ۱۲۷ تا ۱۴۰ چاپ شده است. در این مقاله جانوران نمادین مورد بررسی قرار گرفته اند.

۳- روش تحقیق

شیوه تحقیق در این پژوهش به شکل بنیادی، بر پایه مطالعات کتابخانه ای و به روش توصیفی- تحلیلی به تبیین و تفصیل این موضوع در مرزبان نامه پرداخته شده است. جامعه آماری آن نیز مشتمل بر منابع مربوط به متون تمثیلی ادبیات فارسی و مدیریت رفتار سازمانی می باشد.

۴- کاربرد نام شتر و شیر در زبان فارسی

شتر حیوانی است مبارک و پرمنافع، اندک خوار، قدرتمند و قانع. «جانوری است عظیم الجثه از گروه نشخوار کنندگان که خود تیره ای خاص را به وجود می آورد این پستاندار بدون شاخ است ولی دارای دندان های نیش می باشد. کلمه شتر از اوشته گرفته شده است در اوستا به معنی لب است چون لب این حیوان خیلی بزرگ است.» (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۳: ۲۴۵)

شتر «در برخی از متون گذشته، مطیع، ساده لوح، دانا و محتاط نمایان شده است.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۲۳۳-۱۶۷)

«اما در شاهنامه به لحاظ پیش بینی، رمزی از حیوان آینده نگر است و سیمایی ما بعدالطبیعی و اهورایی دارد چرا که وقتی اسفندیار قصد رفتن به زابلستان دارد شتر پیشاهنگ از حرکت باز

می‌ایستد و وی را از سرنوشت شوم خویش در زابلستان می‌آگاهاند.» (عباس زاده و جباری، ۱۳۹۴: ۱۱۸)

شتر نماد کینه توزی و گاهی نیز تمثیل انسان‌های در بند و گرفتار دنیا است. کینه شتر معروف است و تا چهل سال طول می‌کشد. «جانوری که به داشتن طاقت و استقامت معروف است. این حیوان کم خوراک و قانع است و حتی تا یک ماه تحمل تشنگی دارد. شتر بیشتر نماد کم خوراکی و کم آشامی ملحوظ می‌شود و با وجود حالت پر ادعا و ناراضی اش مظهر قناعت به شمار آمده است.» (ذوالفقاری و شیری، ۱۳۹۵: ۷۶۲)

شیر مقتدر «سلطان، نمادی خورشیدی و به غایت درخشان، سلطان حیوانات و سرشار از فضایل و رذایل ناشی از مقامش. هر چند مظهر قدرت و عقل و عدالت است، اما در عین حال نشانه غایت غرور و خود پرستی است.» (پاشایی فخری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱) شیر در برخی از آثار ادب فارسی «نماد ستم کاری، نادانی، تکبر و دارای مناعت طبع بوده است.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۴۲) اما در فرهنگ ما بیشتر مظهر نیرومندی، شجاعت و دلآوری است. در متون ادب فارسی هر جا که از شیر سخن به میان آمده، به دو موضوع عمده پرداخته شده است؛ این که شیر مستقیماً با تاج و تخت شاهی مرتبط دانسته شده و دیگر داستان‌های متعدد مربوط به شکار شیر است. بن مایه‌ها و هدف نهایی این گونه حکایت‌ها، نشان دادن زور و شجاعت ممدوح است که با غلبه بر قوی‌ترین نمونه ممکن، یعنی شیر بروز می‌یابد.

۵- حکایت شتر و شیر پرهیزگار

در باب هشتم مرزبان نامه (وراوینی، ۱۳۷۳: ۵۵۹) حکایتی در مورد شتر و شیر پرهیزگار آمده است که چکیده آن به شرح زیر است: شهریار گفت: شنیدم، شیری پرهیزگار، حلال خوار، خویشتن دار و بسیار پارسا امیر سرزمینی بود. او آنجا را با عدالت و انصاف اداره می‌کرد و حیوانات را از آزار و اذیت و خون‌ریزی باز داشته بود. روزی خرسی از آن سرزمین می‌گذشت، شیر را دید و نزد او رفت و جایگاه و مرتبه‌ای یافت. از سوئی، حیوانات درنده که از گوشت خواری منع شده بودند، روزی شتری را تنها دیدند و قصد هلاک او را داشتند که

شیر سر رسید و بر آن‌ها نهیب زد و دستور داد که شتر را اذیت نکنند. شیر، شتر را از خواص خود قرار داد. خرس به شتر حسد ورزید و به سخن چینی و بد گویی از او نزد شیر و از شیر نزد او پرداخت. قصد او این بود که شیر را به کشتن شتر وادارد، اما با وساطت موش، زاغ و روباه مکر خرس بر ملا شد و او به مجازات رسید. شتر هم که راه راستی و توکل در پیش گرفته بود، نزد شیر از جایگاه بهتری برخوردار شد.

۶- مضمون اصلی داستان

در این داستان مضمون اصلی «بیشتر تمثیلی برای وقایع و رخدادهای مربوط به حکومت‌ها و دربارهاست، زیان بغی و ستم و عاقبت ستمکاران بغی پیشه و زیادت طلبان محال اندیشه است.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۲۵۸) همچنین در این داستان موارد بسیاری در خصوص کشور داری آمده است، و در مورد جنگ، گریز، شیوه مبارزه و مقابله با دشمن و راهکارهای متفاوت در آن سخن به میان آمده است.

در داستان حیوانات وقتی سخن از حکومت و حاکم است، شیر در رأس هرم قدرت قرار می‌گیرد. نیرویی که سبب می‌شود شیر در چنین جایگاه و مرتبه ای قرار گیرد، زورمندی، قدرت و تسلط او بر دیگران است. «کسانی که در کنار شیر قرار دارند (طبقه حاکم) بسیار می‌کوشند تا حاکم علاوه بر قدرت مبتنی بر زور به قدرت مرجع نیز مجهز شود. صاحب قدرت مرجع به دلیل برخورداری از نیروهای جذاب شخصیتی می‌تواند دل‌ها را تصرف کند و بر آن‌ها تسلط یابد. یوکل، صاحب قدرت را با مشخصات زیر توصیف می‌کند: ۱- با زیر دستان با انصاف رفتار می‌کند. ۲- از خواسته‌های آن‌ها دفاع می‌کند. ۳- نسبت به نیاز و احساسات آن‌ها حساس است.» (دهقانان، ۱۳۹۰: ۹۵-۹۴)

این حکایت، داستان عاقبت مکر و فریب، بد اندیشی و نمّامی و همچنین سرانجام نیک کرداری و حق شناسی و عادل بودن را بازگو می‌کند. در این داستان به طور کلی به اوضاع و احوال درباریان و نقش پادشاه (شیر) در اصلاح یا افساد امور اشاره شده است. پادشاه یا حاکم «باید در صدد چاره جویی و اصلاح امور مردم باشد و از عدالت عدول ننموده تا مردم

رویاروی او قرار نگیرند، چرا که اگر چنین نکند و بنای ظلم و بیدادگری گذارد در حقیقت به بنیاد حکومت آسیب رسانده و همیشه از او به بدی یاد خواهند کرد.» (پاشایی فخری و عادل زاده، ۱۳۹۱: ۶۶)

موارد مذکور را می‌توان اندیشه‌ی اصلاح جامعه دانست که جزو وظایف یک مدیر محسوب می‌شود. مضمون حکایت، سخن از خیانت خادم و زبردست مخدوم و بالادست و خیانت و حسادت است. همچنین زیان بد اندیشی و سخن چینی در حق شتر (درباریان) و حق ناشناسی نسبت به صاحب نعمت در این حکایت نمایان است. خرس (در جایگاه شخصیتی سخن چین) با بد اندیشی و حسادت، به نفاق، غدر و نمّامی روی می‌آورد و این موارد راه‌هایی برای رسیدن او به هدفش (نابودی شتر که شخصیتی درباری و نزدیک به شاه) به شمار می‌روند.

۷- ترویج شایسته سالاری

رعایت اهلیت در انتخاب افراد و واگذاری کارها، از مهم‌ترین مسائل در مدیریت است؛ یعنی کسی که قرار است مسئولیت کاری را عهده‌دار شود، باید شایستگی‌های لازم را برای آن مسئولیت دارا باشد. سنت الهی چنین است که خداوند به هیچ کس جز بر اساس اهلیت‌های لازم مسئولیت نمی‌دهد.

در این حکایت، شیر در انتخاب شتر به عنوان خواصّ خود، ابتکار عمل به خرج می‌دهد و از عملکرد ناشایست خرس کاملاً آگاه است. مدیریت نیروی انسانی قسمتی از کل مدیریت سازمان است که نیروی انسانی را برای اداره امور مختلف سازمان تأمین می‌کند. «این مدیریت پس از ایجاد تشکیلات انسانی، با برقراری و نگهداری روابط بین اعضا و سازمان، در راستای رفاه و نگهداری حق و حقوق افراد می‌کوشد تا بدین وسیله از نیروی انسانی در حد اعلا برای سازمان استفاده برد.» (ویسی و سواد، ۱۳۸۵: ۱۲۵)

حاکم یا فرمانروا باید وظایف و مسئولیت‌ها را به اشخاصی واگذار کند که شایستگی، لیاقت و توانایی لازم برای انجام آن کارها را داشته باشند. نه این که همانند شخص خرس باشند، که به محض ورود به دربار شیر در صدد از بین بردن دیگران و بر هم زدن نظم امور برآیند. سعدی

تأکید می‌کند: «باید امور مهم به مردان با تجربه، کاردان و کارآزموده سپرده شود که توانایی و تمکن دارند.» (پاشایی فخری و عادل زاده، ۱۳۹۱: ۹۷)

«ای که شخص منت حقیر نمود
تا درشتی هنر نپنداری
اسب لاغر میان به کار آید
روز میدان، نه گاو پرواری»

(سعدی، ۱۳۷۴: ۶۰)

پادشاهان شایسته و عدالت محور نظیر (شیر) در این حکایت شایسته تصدی امور کشور هستند و حمایت از پرهیزگاران و راستگویان همانند (شتر) موجب کمال دین است. از این رو حاکمان و مدیران به هم‌نشینی با خردمندان، درست کرداران و افراد کارآزموده و پاکدامن بیشتر نیازمندند تا آنان به پادشاه. «امروزه واژه شایستگی معادل این مفاهیم مطرح می‌گردد که مبنایی مناسب برای تصمیم در استخدام، آموزش، ترفیع و دیگر مباحث انسانی قرار گیرد. ارتباطات، خلاقیت، قاطعیت، شکیبایی، حل مسأله، انطباق‌پذیری و هوشمندی مجموعه‌ای از قابلیت و شایستگی افراد است که موجب عملکرد مطلوب می‌گردد.» (سیدجوادین، ۱۳۹۰: ۹۵)

۸- نظارت بر اجرای فرمان‌ها

کنترل و نظارت یکی از وظایف اساسی مدیریت است که در ارتباط با سایر وظایف مدیر تعریف می‌شود. از طریق کنترل و نظارت، حداکثر کارایی و اثربخشی حاصل می‌گردد. فقط با نظارت است که برنامه‌ریز به صحت اجرای برنامه‌های خود یا سازمان پی می‌برد. در این داستان شیر به عنوان رئیس طبقه حاکم در مرغزار خوش و دلاویز با نظارت بر جانوران و عملکرد آن‌ها نظم و امنیت خاصی را به وجود آورده است. بر مبنای این داستان، پادشاه، حاکم یا مدیر باید بر کارها و برنامه‌هایی که در یک جامعه یا سازمان به تصویب رسیده که اجرا شوند بایستی نظارت داشته باشد. از دیدگاه علم مدیریت «برنامه‌ریزی و نظارت کردن از هم جدا ناشدنی هستند. آن‌ها را هم زادهای سیامی مدیریت می‌خوانند. کنش برنامه‌ریزی نشده را نمی‌توان نظارت کرد.» (کونتز و دیگران، ج ۱، ۱۳۷۰: ۱۶۶)

در این حکایت چون از سوی شیر مقرر گردیده بود که حیوانات درنده حق تجاوز به حقوق حیوانات دیگر را ندارند و خود شیر به طور مصرّانه به خرس چنین نصیحتی کرده بود بر خود وظیفه می‌دانست که بر این قانون نظارت داشته باشد و به محض سرپیچی خرس از این امر مهم در حق شتر او را مجازات کرد. «نظارت آخرین وظیفه از وظایف خاصّ مدیریت است. منظور اصلی از کلیه طرح‌های نظارت، حصول اطمینان به مطابقت نتایج عملیات با اهداف مطلوب و پیش بینی شده در برنامه‌ها است. تطابق هر عمل با برنامه‌ای است که برای اجرای آن طرح گردیده است.» (ویسی و سواد، ۱۳۸۵: ۱۶۳)

۹- ایجاد اتحاد، همدلی و صبر

از دیدگاه علم مدیریت، با اتحاد، همدلی و صبر می‌توان با تکیه بر تکنیک‌ها و ابزار لازم، گردونه تشکیلات و سازمان را به سمت هدف‌های مطلوب هدایت و رهبری کرد. با توجه به عمل موش، زاغ و روباه، که مکر خرس بر ملا می‌شد، می‌توان به فایده دوستی، اتحاد و همدلی در غلبه بر دشمن (خرس) که قصد جان شتر را در سر می‌پروراند اشاره کرد. با توجه به شخصیت شتر به عنوان ندیم پادشاه و مقرب بارگاه می‌توان به فایده تقوا، خویشتن داری و صبر و توکل او اشاره کرد که وسوسه‌های خرس (دشمن) در او تأثیری نکرد و برای آن‌ها ارزشی قائل نبود. پس حزم و خردمندی شتر در این نقش ستودنی است.

«هنگامی که اعضای گروه، روحیه جمعی خیلی قوی داشته، یا سطح بالایی از هم‌رنگی برقرار نمایند، ممکن است میل به چالش در تصمیمات گروهی را از دست داده، به حذف و نادیده گرفتن فکرای مخالف علاقه‌مند گردند.» (نصر اصفهانی، ۱۳۸۴: ۱۰۸)

۱۰- مرغزار بسیار دلاویز در جایگاه جامعه امن و ایده آل

یک جامعه ایده آل و قانونمند جامعه‌ای است، که اصول سازماندهی و هماهنگی نظیر، رعایت حقوق مردم، توجه به زیر دستان، فقر زدایی، مبارزه با ظلم و فساد، ایجاد امنیت اجتماعی، دشمن شناسی، حمایت از کارگزاران، نوازش فرمانبران و ... در آن از سوی حاکم، رهبر یا یک مدیر به مرحله اجرا در آید. شیر به عنوان حاکم و فرمانروا «در نیستانی وطن داشت که

آن جا گرگ و میش چون نی با شکر آمیختی و یوز و آهو چون خار و گل از یک چشمه آب خوردندی در حمای قصباء او خرقه قصب از خرق ماهتاب ایمن بودی و دامن ابر از دست تعرض آفتاب آسوده، رسته بازار وجود شحنة سیاستش راست کرده، گرگ به خرازی چون کرم به قزازی نشسته، آهوان به عطاری چون سگ باستخوان کاری مشغول گشته ...»

(وراوینی، ۱۳۷۳: ۵۶۰)

پس جامعه ایده آل، جامعه ای است که نظام سیاسی آن بر پایه های ظلم و ستم استوار نباشد، و ظالمان و مستکبران عالم نیز حاکمان آن نباشند و شرایط و امکان را برای احقاق حق همه انسان هایی که حقوقشان ضایع شده است مساعد سازد.

۱۱- شتر در جایگاه میهمانی غریب و پاک سرشت

شتر در جایگاه میهمان و مسافری غریب و پاک، از کاروان خود بازمانده به حوزه فرمانروایی شیر وارد می شود. میهمان تازه وارد، یار غار سلطان جنگل شده، جایگاهی بس بالا می یابد. شتر «به حسن التفات ملک ملحوظ و به انواع کرامات محفوظ گشت تا به حدی که خرس را بر مقام تقدم او رشک بیفزود.» (همان: ۵۷۰)

فراهم آوردن آسایش میهمانان، مسافران و بازرگانان از وظایف سازمان دهی یک مدیر یا حاکم در جامعه است. «بازرگانان، میهمانان و مسافران را نباید دل آزرده کرد چرا که آنان گویی سفیرانی هستند که در کشورهای دیگر سفر می کنند و هر آنچه که از نیکی و بدی حاکمان نسبت به خود و مردم بینند برای اهالی کشورهای دیگر بیان می کنند و بدین وسیله در نگرش دولت ها و مردم سرزمین های دیگر نسبت به نظام سیاسی حاکم بر میهن شان تأثیر بسزایی می گذارند و این تأثیر، نوع رابطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را دگرگون می سازد.» (پاشایی فخری، ۱۳۹۱: ۱۲۷)

۱۲- زیان فتنه انگیزی و بدسگالی

این حکایت، «داستان عاقبت کید و بدسگالی و سخن چینی و همچنین سر انجام نیک کرداری و حق شناسی را بازگو می کند.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۲۶۰) زیرا هر که فتنه ای بر انگیزد

خود در دام فتنه فرو می‌افتد، و هر که بدی آغاز کند خود به عواقب آن دچار می‌شود. همانند خرس تنگ چشم که از دیدن جایگاه والای شتر، در نزد شیر، گویی خار در چشم بود، با آمدن شتر قدر و مقام خود را کم رنگ دید، بر آن شد که به هر حيله و مکرری که شده شتر را در خون خود فرو غلتاند و از گوشت او غذایی تمام سازد.

«داستان یک باب از مرزبان نامه را تشکیل می‌دهد و در آن به طور کلی به اوضاع و احوال درباریان و نقش پادشاه در اصلاح یا افساد امور اشاره شده است.» (همان: ۲۶۰)

مضمون و مفهوم اصلی در این حکایت زیان بد اندیشی و نمانی در حق دیگران و حق ناشناسی و ناسپاسی نسبت به صاحب نعمت است. خرس با به کار گرفتن موارد نامبرده (بداندیشی، حسادت، دورویی، غدر و سخن چینی)، در فکر نابودی شتر بود، اما این ویژگی‌ها به زیان خرس تمام شد و عاقبت ناگواری را برای او رقم زد.

۱۳- مشکل ارزشیابی مدیریت

ارزشیابی یکی از مشکل‌ترین جنبه‌های مدیریت منابع انسانی است، که برخی از آن به عنوان نقطه آسیب‌پذیر مدیریت نام برده‌اند. در بسیاری از کشورها ارزشیابی را یکی از عوامل امیدبخش برای بهبود و بهسازی مدیریت و فرد به شمار می‌آورند و پاره‌ای دیگر از کشورها، ارزشیابی را ابزاری ناتوان در دست فردی بدون اختیار برای اندازه‌گیری چیزی نامعلوم می‌پندارند.

شیر (پادشاه) در انتخاب خرس به عنوان محرم اسرار خود دچار اشتباه بزرگی شد، بدون این که او را مورد ارزیابی قرار دهد. مدیران «از دیر باز درباره ارزیابی زیر دستان خود بی‌میل بوده‌اند، با وجود این در فعالیت‌های مهم، چون مدیریت، نباید در اندازه‌گیری هر چه دقیق‌تر عملکرد بی‌میلی وجود داشته باشد، تقریباً در همه گروه‌های سازمانی، عملکرد همواره نقش اثر بخشی داشته است. از آن گذشته بیشتر مردم، به ویژه افراد توانا، می‌خواهند از چگونگی کار خود آگاه شوند.» (کونتز و دیگران، ج ۲، ۱۳۷۰: ۹۶) رهبری و مدیریت در هم گره خورده‌اند، ولی هر کدام فعالیت‌ها و وظایف منحصر به فرد خود را دارا می‌باشند. «اگر رهبری

نفوذ در دیگران جهت کسب هدف باشد، مدیریت نفوذ در دیگران جهت کسب اهداف سازمانی است. در رهبری اهداف می‌تواند گوناگون باشد، ولی در مدیریت اهداف سازمانی اولویت دارد.» (سیدجوادین، ۱۳۹۰: ۳۱۴)

۱۴- شجاعت و ترسی

برای مدیران شجاع، سختی‌ها امتحانات لذت بخشی محسوب می‌شوند که در حین دست و پنجه نرم کردن با مشکلات، رفتارهای خود را تصحیح می‌کنند و جسارت و تعهد لازم را نسبت به مسیر استراتژیک بیشتر بدست می‌آورند.

در داستان شتر و شیر پرهیزگار، وقتی شیر ناگاه حیوان عظیم الجثه غریبی مثل خرس را بر سر راه خود می‌بیند، به خلاف دیگر جاهای داستان، ضرب آهنگ جمله‌های بیان شده از سوی او سرعت می‌گیرد: «شیر پرسید که از کجا می‌آیی و به کجا می‌روی و مقصود چیست و مقصد کدام است.» (وراوینی، ۱۳۷۳: ۵۶۱)

بیان سریع جمله‌ها از سوی شیر، نه از ترس و دلهره شیر بود. بلکه از سر شجاعت بسیار شیر و این که خرس غریب را در برابر خود چیزی فرض نکرده و مثل بچه‌ها با او حرف زده باشد. یکی از ویژگی‌های بسیار مهم در وجود یک رهبر، مدیر یا حاکم، شجاعت و دلیری در کارها و سخنرانی‌هاست.

شیر گفت: مرا رسوا خواهند کرد. جلو رفت و به شتر نگاه کرد و گفت: چقدر باید سرشت کسی پلید باشد که در حق پادشاهی که همه رحمت و عدالت محض است خیانت اندیشد. خرس در حضور شاه گفت: که شتر در پی برانداختن سلطنت و فرمانروایی توست و گفت: «دانا به چشم نادان حقیر تر از آن باشد که نادان به چشم دانا. این شتر معرفتی ندارد که بدان تو را شناسد.» (همان: ۶۰۸)

ایجاد امنیت اجتماعی و اعتماد به نفس از ویژگی‌های یک مسئول یا رهبر در یک جامعه است که در این حکایت کاملاً از سوی شیر مشهود است. هنگامی که دست جور و ستم کارگزاران، مدیر یا حاکم و خویشان و بستگان او نظیر خرس به حقوق مردم دراز گردید؛

نشانه آن است که در حکومت خلل و تباهی حاصل شده است و مردم آن سرزمین از امنیت اجتماعی برخوردار نیستند. از این رو حاکم باید عامل مردم آزار را تنبیه و مجازات نماید. اعتماد به نفس این است که «اگر شخصی کاری متناسب با توانش را عهده‌دار گردیده، در اجرای تعهدات کاری به کفایت و توانمندی خویش باور داشته باشد.» (ویسی و سواد، ۱۳۸۵: ۲۰۳) این ویژگی در وجود شخصیتی همچون شیر در اجرای فرمان‌هایش کاملاً مشهود است.

«به اعتقاد «رابرت کنز» و «هنری فایول» درستی و یکرنگی، قدرت اخلاقی با ثبات، حس احترام به دیگران و سخاوت و شجاعت مدیر از جمله ویژگی‌هایی است که در تحکیم مبانی یک سیستم ضرورتی اجتناب ناپذیر است.» (پاشایی فخری و عادل زاده، ۱۳۹۱: ۵۱)

۱۵- موش در جایگاه جاسوس شیر

مدتی سپری شد تا این که موشی مجادله خرس و شتر را گوش کرده بود، نزد جادو نگهبان زندان رفت، احوال زندانیان را جوینا شد، جادو حدس زد که موش چیزی می‌داند. بالاخره موش را راضی کرد که راز خود را بگوید. موش گفت: «این راز با تو می‌گویم، اما باید که اسناد آن به من حواله نفرمایی و این روایت و حکایت از من نکنی.» (وراوینی، ۱۳۷۳: ۶۳۴) جادو بعد از شنیدن سخنان موش فوراً خود را به شیر رساند و آنچه را که شنیده بود برای شاه بازگو کرد و بر علیه خرس شهادت داد. در یک حکومت باید دائماً منهیان و متجسسان به تفحص از امور پوشیده و خصوصاً احوال دشمنان مشغول باشند و از هر چیزی که می‌شنوند خبر آورند تا هیچ گونه از احوال خبری پوشیده نماند. نقش کنترل و نظارت از آن جهت است که براساس آن می‌توان به جلوگیری و اصلاح انحرافات و تطابق عملکردها و اهداف مطلوب سازمانی پرداخت.

۱۶- دادگستری و ظلم ستیزی

یکی دیگر از ویژگی‌های حاکم در این حکایت، دادگستری و ظلم ستیزی است که در حق شتر و خرس به اجرا درآمد. حاکم باید چنان تدابیری را اتخاذ و روش‌هایی را به کار بندد که

در هر جا ناله دادخواهی بلند شد فوراً دست به کار شده و پی گیری نماید. «به دادخواهی مردمان باید رسیدگی شود؛ مبدا حقوق کسانی پایمال شود. در این صورت است که نظام حکومتی گسسته خواهد شد و نباید فراموش کند که اگر حاکم به دادخواهی مردم رسیدگی نکند، سنت الهی بر آن قرار گرفته است که خداوند داد مردم را خواهد داد.» (پاشایی فخری و عادل زاده، ۱۳۹۱: ۱۱۶-۱۱۵) اجرای حدود و تعزیرات توسط مراجع قضایی واجد شرایط داخل یا خارج از یک نهاد دولتی، نیز از ضامن‌های نظارتی قوی است که هم سبب تنبیه گناهکار و مجرم و دیگران می‌شود و هم از تکرار جرم جلوگیری به عمل می‌آورد. این است نتیجه و میوه خردمندان امین که حق احسان و نیکی را با نکو رفتاری نگه می‌دارند: «که فرجام نیک، پرهیزگاران راست.» (سجادی، ۱۳۷۹: ۳۲۸)

۱۷- نتیجه گیری

پرداختن به مسائل اجتماعی، سیاسی و مدیریتی در آثار ادبی گذشته، موضوعی است که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است. در حالی که برای شناخت فرهنگ و جامعه، مطرح ساختن این آثار ضروری و لازم است. نویسندگان این آثار برای بیان مقصود خود از حکایات و تمثیلات رمزی و به ویژه قصه‌هایی از زبان حیوانات استفاده می‌کنند. در مرزبان نامه، در شخصیت پردازی حیوانات، شخصیت‌ها متغیر هستند و نقش حیوانات در هر داستانی متفاوت است و هر کدام از این جانوران بیان‌گر طبقه‌ای خاص از افراد جامعه هستند. نکته‌های مطرح شده در این نوع از حکایت‌ها اغلب اخلاقی و پند آموز هستند و گاهی هم می‌توان آن‌ها را از نگاه سیاسی و مدیریتی مورد بحث و بررسی قرار داد. چون کتاب مرزبان نامه مستقیماً خطاب به حاکمان نیست، توانسته است، ابزار و وسیله مناسبی برای طرح عقاید سیاسی - اجتماعی و اخلاقی نویسنده باشد. مکر، تدبیر، تأمل و مصلحت اندیشی اقتضای عالم سیاست و حکومت است و تأکید این حکایت‌ها بر این مسائل باعث می‌شود که اهل سیاست و حکومت مخاطبان خاص آن‌ها به شمار آیند. شاهان و امیران به تجربه دریافته بودند که یک اقدام نابجا یا غفلت و از کف دادن فرصت چه عواقب ناگواری را به بار می‌آورد و اشتغال ذهنی به چنین

داستان‌هایی خواه ناخواه، این فرصت را فراهم می‌آورد که آن‌ها در زیر و بم امور تأمل بیشتری کنند. در داستان‌هایی که به ترسیم فضای سیاسی می‌پردازد، مردم حضور چندانی ندارند و به طور عمد روابط و امیال و آرزوهای طبقات بالای جامعه بیان شده است. هر قشری در جامعه، از محقق ادبی گرفته تا جامعه شناس، روان شناس و سیاست‌دانان می‌توانند از این حکایت‌های تمثیلی پندآموز بهره مند شوند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. بلخی، مولانا جلال الدین، ۱۳۷۲، مثنوی، دفتر دوم، تصحیح و تحلیل و توضیح و فهرست‌ها از محمد استعلامی، انتشارات زوار با همکاری نشر سیمرخ، تهران. (ص ۳۴۹)
۲. بهار، محمد تقی (ملک الشعرا)، ۱۳۷۳، سبک شناسی، جلد سوم، انتشارات امیر کبیر، تهران. (ص ۴۵)
۳. پاشایی فخری، کامران و دیگران، ۱۳۹۵، سلطان باغ ادب فارسی، انتشارات مولی علی، تبریز. (ص ۹۸)
۴. پاشایی فخری، کامران و پروانه عادل زاده، ۱۳۹۱، بررسی جایگاه مدیریت در متون ادب فارسی، انتشارات مولی علی، تبریز. (ص ۱۶۶)
۵. تقوی، محمد، ۱۳۷۶، حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی (بررسی حکایت‌های حیوانات «فابل‌ها» تا قرن دهم)، انتشارات روزنه، تهران. (ص ۴۱۷)
۶. خطیبی، حسین، ۱۳۹۰، فن نثر در ادب پارسی، انتشارات زوار، تهران. (ص ۶۳۷)
۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۱، لغت نامه دهخدا، ج ۳۰، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. دهقانیان، جواد، ۱۳۹۰، بررسی کارکرد قدرت و فرهنگ سیاسی در کلیله و دمنه، پژوهش‌های زبان و ادبیان فارسی (علمی - پژوهشی) دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان، سال سوم، شماره ۱ (پیاپی ۹)، ص ۱۰۴-۹۱.
۹. ذوالفقاری، حسن و علی اکبر شیری، ۱۳۹۵، باورهای عامیانه مردم ایران، نشر جم، تهران. (ص ۱۱۶۳)
۱۰. سجادی، حسین، ۱۳۷۹، مجموعه کامل مرزبان‌نامه به زبان فارسی امروز، انتشارات آرون، تهران. (ص ۳۶۸)
۱۱. سعدی، شیخ مصلح الدین، مشرف بن عبدالله، ۱۳۷۹، بوستان سعدی، تصحیح و توضیح غلام حسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، تهران. (ص ۶۱۳)

۱۲. -----، ۱۳۷۴، گلستان سعدی، تصحیح و توضیح غلام حسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، تهران. (۸۱۵ ص)
۱۳. سیدجوادین، سیدرضا، ۱۳۹۰، مدیریت رفتار سازمانی، انتشارات نگاه دانش، تهران. (۵۳۰ ص)
۱۴. عباس زاده، فاضل و مهدی جباری، ۱۳۹۴، نقش تمثیلی حیوانات در روند داستان‌های شاهنامه، فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی- واحد بوشهر، شماره پیاپی بیست و ششم، ص ۱۳۱-۱۱۱.
۱۵. کونتز، هرولد و همکاران، ۱۳۷۰، اصول مدیریت، جلد اول، مترجم محمدعلی توسی و همکاران، ناشر مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، (ترجمه به فارسی). (۵۹۶ ص)
۱۶. -----، ۱۳۷۰، اصول مدیریت جلد دوم، مترجم محمدعلی توسی و همکاران، ناشر مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، (ترجمه به فارسی). (۶۱۲ ص)
۱۷. نصر اصفهانی، علی، ۱۳۸۴، مدیریت رفتار گروهی، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، اصفهان. (۱۲۰ ص)
۱۸. وراوینی، سعدالدین، ۱۳۷۳، مرزبان‌نامه، به کوشش خلیل خیب رهبر، انتشارات صفی علی شاه، تهران. (۷۹۵ ص)
۱۹. ویسی، غلامرضا، محمدعلی سواری، ۱۳۸۵، رفتار سازمانی در نگاه مدیریت اسلامی، ناشر زمزم هدایت، قم. (۲۵۶ ص)
۲۰. یونگ، کارل گستاو و همکاران، ۱۳۸۴، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانیه، انتشارات جامی، تهران. (۴۹۴ ص)